



نقش مدیریت خانواده و مدرسه در توسعه استعداد های ورزشی

ولی ناصری پلنگرد^۱، شهاب بهرامی^{۲*}، شیرین زردشتیان^۳، بهرام یوسفی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش خانواده و مدرسه در رشد و توسعه استعداد های ورزشی دانش آموزان بود.

روش شناسی: پژوهش حاضر کیفی بوده و با استفاده از رویکرد تحلیل تماتیک (مضمون) انجام شد. نمونه پژوهش شامل ۱۶ نفر از خبرگان حوزه ورزشی و مسئولین درگیر در بحث استعدادیابی بود که به روش نمونه گیری هدفمند آغاز و تا رسیدن به اشباع نظری داده ها ادامه یافت. به منظور جمع آوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده گردید. بعد از جمع آوری داده ها به منظور تجزیه و تحلیل آن ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شد.

یافته ها: بر مبنای مصاحبه های انجام شده با استفاده از نظر خبرگان، حمایت های مالی خانواده ها و مدارس، حمایت های عمومی و خیریه ای، عوامل انگیزشی، بهداشتی، تعلق اجتماعی و تأیید و همراهی به عنوان عوامل اثرگذار در توسعه استعداد های ورزشی دانش آموزان شناسایی شد.

نتیجه گیری: بر مبنای نتایج، نقش حمایتی خانواده ها در قالب حمایت های مالی و انگیزشی و اجتماعی کلیدی هست و همچنین همراهی های لازم از جانب مدارس نیز می توان به توسعه استعداد های ورزشی کمک شایانی داشته باشد.

واژه های کلیدی: تحلیل تماتیک، مطالعه کیفی، استعداد های ورزشی، خانواده، مدرسه

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. ۲. استادیار گروه مدیریت

ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. ۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۴. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه

*نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: bahramishahab@yahoo.com

مقدمه

استعداد منبعی ارزشمند و نادر در جامعه است و مقدار زیادی از استعدادهای انسانی ارزشمند احتمالاً در هر نسلی تلف می‌شود. این هدر رفتگی، در اصل، از فقدان درک و آگاهی در مورد ماهیت استعداد و ناتوانی افراد در انگیزه دادن به خود برای رشد استعدادهایشان به وجود می‌آید. استعدادها نه در خلأ بلکه در واقعیت وجود دارند، یعنی: استعدادها با زمینه‌ای فرضی مرتبط هستند و فقط در زمانی عنوان استعداد می‌یابند که از سوی خرده‌فرهنگ‌ها و جامعه گسترده‌تری که در آن وجود دارند، ارزشمند و پذیرفته شده باشند. به نظر می‌رسد که ماهیت پیچیده استعداد تا حدودی ناشی از یک ویژگی است که اساساً نسبی است. در واقع، به نظر می‌رسد که پذیرش ساختار اجتماعی استعداد برای تعریف آن بسیار مهم است؛ بنابراین، به زبان ساده، استعداد فقط می‌تواند استعداد باشد و تحت این عنوان درجایی که ارزشمند است، پذیرفته شده باشد (Tranckle & Cushion, 2006). اهمیت سیستم حمایتی خانواده در زمینه عملکرد نخبگان را نمی‌توان دست‌کم گرفت. خانواده نقشی حیاتی در رشد مداوم ورزشکار تا رسیدن به اوج ورزش انتخابی بازی می‌کند (Khurst & Collins, 2013).

حمایت خانواده آن‌قدر مهم است که اگر ورزشکاری نتواند به سطحی که برای رسیدن به آن تلاش نموده دست یابد، خانواده می‌تواند از آن به‌عنوان مکانیسمی برای جبران این عقب‌ماندگی استفاده کند و امکان رشد مداوم تا رسیدن به سطح مناسب را فراهم کند. حمایت

خانواده در مدیریت استعدادهای ورزشی می‌تواند برای ادامه فعالیت در طول زندگی نیز حیاتی باشد این امر موجب می‌شود تا خانواده به‌عنوان عاملی مهم نقشی محوری در مشارکت داشته باشد (Horn & Horn, 2007). در واقع، (Ridge, 2006) اشاره کرده است که بدون مشارکت والدین، بسیاری از ورزشکاران جوان نخواهند توانست به مشارکت خود در امر ورزش ادامه دهند.

(Knight & Holt, 2013) در مطالعه‌ی خود نشان دادند: که والدین زمان زیادی را صرف جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مشارکت فرزند خود در ورزش نخبگان می‌کنند. این امر به معنای آن است که والدین اهمیت نقش خود را در رشد فرزندشان درک کرده‌اند، اما ضرورتاً سطحی را که باید به آن متعهد باشند و حمایت کنند تا تأثیر مثبتی بر فرزند خود بگذارند، درک نمی‌کنند. والدین (پدر و مادر) برای اینکه بتوانند به‌صورت پیوسته نقش مؤثرتری در مشارکت ورزشی فرزند خود ایفا کنند باید اطلاعات بیشتری را در اختیار همدیگر قرار داده و به فرزند خود و مربیان او زمان بیشتری اختصاص دهند؛ و از مسائل مختلفی که در رابطه‌ی والدین - کودک و تحولات مرتبط با آن رخ می‌دهد آگاه‌تر شوند (Jowett et al, 2005). علاوه بر سیستم خانواده، سیستم آموزشی یعنی مدرسه می‌تواند در توسعه استعدادهای ورزشی مؤثر باشد. بدون تردید معلمان به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های مدرسه نقشی اساسی در جهت بهبود فعالیت‌های آموزشی و پرورشی ایفا می‌کنند. به همین منظور، حائز اهمیت است که

این دانش‌آموزان را به صورتی معنادار تحت نظارت معلمان حرفه‌ای و والدین همیار پرورش داد (Sladjana, 2013). در حوزه‌ی توسعه و حمایت از استعداد‌های ورزشی در این اواخر پژوهشگران شروع به بررسی نقش خانواده به‌عنوان عاملی بااهمیت نموده‌اند. تشخیص و توسعه استعداد به‌عنوان فرایندی دوبخشی رابطه‌ای ناگسستگی دارند که در آن تشخیص استعداد مقدم بر توسعه استعداد است. توسعه استعداد را می‌توان تحت عنوان فرایند شناخت ورزشکارانی که توان برتری در ورزش را دارند، توصیف نمود (Wiseman et al, 2014).

(Khurst & Collins, 2013) مشخص کردند که تشخیص و توسعه استعداد تحت تأثیر ۵ سازه حیاتی قرار دارد: الف) گزینش و تخصص ورزشی، ب) تمرین؛ پ) رشد ورزشکار؛ ت) موفقیت افراد بزرگسال و خردسال؛ ث) افراد ذی‌نفوذ در نظام ورزشی. برای رسیدن به هدف این بررسی، تمرکز ما روی سازه پنجم خواهد بود یعنی افراد ذی‌نفوذ و مؤثر. در زمینه‌ی موجود، این سازه به‌وضوح تأثیری را که والدین و در سطح گسترده‌تر خانواده، روی رشد و عملکرد دارند، در بردارد. وجود مجموعه‌های حاکمیتی و دیگر سازمان‌های ورزشی برای شناخت تأثیر خانواده - مدرسه روی مشارکت ورزشی دانش‌آموزان نخبه، ترغیب آنان، آموزش و حمایت از چنین مشارکتی یک ضرورت است. از طرف دیگر پژوهش‌های داخلی متعددی موضوع استعدادیابی را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند. از جمله، نوری و صادقی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که مطالعات حوزه استعدادیابی ورزشی نوپا بوده و هنوز الگوی مشخص و همه‌جانبه‌ای که دربرگیرنده همه ابعاد باشد،

به نقش مهم معلمان در ارزشیابی کودکان دارای استعداد اشاره‌کنیم، به‌ویژه در امر رشد توانمندی‌های جسمی و به‌کارگیری احتمالی و آماده‌سازی افراد دارای استعداد در این زمینه. (Robin et al, 2017). نیاز اجتماعی به افراد مستعد در همه حیطه‌های توسعه رو به افزایش است، به همین خاطر لازم است که جامعه دیدگاه خود را نسبت به مدارس ابتدائی برتر از نظر توسعه‌ی کارآمد و مداوم تغییر دهد. شکی نیست که تأثیر خانواده‌ها در همکاری با معلمان در رشد کودکان دارای استعداد در موفقیت بیشتر آن‌ها پدیدار می‌شود. در مورد دانش‌آموزان دارای استعداد ورزشی باید همه افراد دخیل در مدرسه به‌صورت جدی به این دانش‌آموزان بپردازند و دانش‌آموزان مستعد تبدیل به یک هدف دائمی در تمرین‌های هرروزه شوند؛ تمرین‌هایی که دربردارنده روش‌های جدید، مؤثر و معنادار و تکنیک‌های ورزشی هستند؛ همچنین نقش معلمان، معلمان تربیت‌بدنی و همکاری سازنده آن‌ها با خانواده‌ها ضروری است (Dimovski, 2012). هدف از برنامه‌های ورزشی موفقیت‌آمیز، هدایت و آموزش کودکان مستعد و در همان حال فراهم کردن فرصت برای رشد معلمانی است که روی این برنامه‌ها کار می‌کنند، تحلیل دائمی از دیدگاه‌ها و انتظارات خوددارند و راهبردهای تدریس مناسبی را که به دست آورده‌اند ارتقا می‌دهند و از مواد و منابع مناسب به‌صورت منابع احتمالی جهت آموزش کودکان بااستعداد استفاده می‌کنند. هرچند که فرضیه تدریس-یادگیری هنوز فاقد یک روش‌شناسی منسجم است که به‌آسانی برای دانش‌آموزان بااستعداد قابل اجرا باشد، به‌درستی می‌دانیم که می‌توان

مقیسه (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که شرکت جوانان در ورزشی خاص بیشتر بر پایه سنت‌ها، آرزوها، امکانات در دسترس و علایق فردی استوار است و نیز به تبلیغات و محبوبیت عمومی آن ورزش، فشار و نظر والدین و گروه همسالان، تخصص معلمان تربیت‌بدنی مدارس و فراهم بودن امکانات ورزشی موردنظر بستگی دارد، لذا مبنای علمی و از پیش طراحی‌شده‌ای وجود ندارد تا نیاز کشور به ورزشکارانی در رشته‌های مختلف برآورده شود.

نظری، یوسفی و عیدی (۱۳۹۵) با بررسی اولویت عوامل ارزیابی کیفیت سیستم توسعه استعدادیابی ورزشی از منظر ذینفعان گزارش کردند که توجه به خروجی‌ها دارای بالاترین اولویت در سیستم استعدادیابی ورزشی ایران بود. همچنین، نتیجه‌گیری شد که ارزیابی سیستم توسعه استعدادیابی به‌عنوان زیرساخت ورزش حرفه‌ای و قهرمانی می‌تواند باعث موفقیت ورزش کشور در صحنه‌های جهانی و بین‌المللی شود.

باسره، دوستی و فرزام (۱۳۹۵) با تدوین مدل استعدادیابی والیبال در ایران بیان کردند که مدل هفت مرحله‌ای استعدادیابی والیبال منطبق بر نظریه داده بنیاد می‌تواند زمینه را جهت استعدادیابی علمی و یکسان‌سازی روش‌های آن فراهم کند. پیرمحمدی (۱۳۹۱) نقش والدین در استعدادیابی ورزشی را به سه مرحله تقسیم‌بندی نموده است. در مرحله اول، والدین به‌عنوان حامی ورزشکار نقش مهمی در گرایش یا عدم گرایش وی به یک ورزش خاص دارند در حقیقت در این مرحله درگیری و انتظارات والدین از ورزشکار با موفقیت و لذت و همچنین فشار و استرس آنان مرتبط است. در مرحله دوم

ارائه نشده است. تعداد معدودی از الگوها تأثیر شاخص‌های ذاتی مانند ژنتیک را در شناسایی استعداد ورزشی مناسب می‌دانند؛ درحالی‌که بیشتر پژوهش‌ها الگوهایی که مبتنی بر ارزشیابی مهارت بعد از آموزش هستند، تعیین‌کننده می‌دانند. دسته شایان توجه دیگری از مطالعات هم‌زمان با در نظر گرفتن شاخص‌های مهارتی، بر شاخص‌های حوزه‌های فیزیولوژیکی، آنترپومتریکی، بیومکانیکی و روانی نیز تکیه داشتند. کاشف (۱۳۹۱) عوامل وراثتی و محیطی را از جمله فاکتورهای مهم استعدادیابی ورزشی گزارش نمود. از طرفی، اسدی و همکاران (۱۳۹۵) موانع استعدادیابی ورزشی ایران را شناسایی و بر اساس اولویت و اهمیت در هفت فاکتور اصلی شامل: موانع انسانی، موانع مالی، موانع حمایتی و پشتیبانی، موانع مدیریتی، موانع زیر بنایی، موانع فرایندی و موانع علمی و پژوهشی دسته‌بندی کردند.

حسینی، حمیدی، قربانیان و سجادی (۱۳۹۲) عواملی همچون نگاه مدیران و مسئولان ورزش کشور به پایگاه‌های قهرمانی و مراکز استعدادیابی، تأثیر مسائل سیاسی بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مجری استعدادیابی، فقدان نظام جامع حمایت از ورزشکاران و مربیان نخبه، فقدان شایسته‌سالاری در تعیین مدیران و مربیان ورزشی کشور، فقدان طرح یکپارچه، اجرایی و ساختارمند در استعدادیابی وضعیت اقتصادی معیشتی خانواده‌های دارای استعداد، امکانات و تجهیزات مناسب برای استعدادیابی و آمایش و قطب‌بندی ورزش‌ها در نقاط مختلف کشور را به‌عنوان مهم‌ترین تنگناها و چالش‌های استعدادیابی در ورزش‌های قهرمانی کشور می‌دانند.

مهم و اثرگذار بر فرایند استعدادیابی ورزشی در کنار سایر ابعاد، وجود داشت که پژوهش حاضر به این موضوع پرداخته است.

در جمع‌بندی و نقد پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه استعدادیابی ورزشی باید بیان شود که علی‌رغم پژوهش‌های مختلف و متعدد در رشته‌های مختلف ورزشی، تاکنون نظام استعدادیابی در کشور دارای مدل جامعی نمی‌باشد و اغلب متأثر از سلیقه‌های مدیران ورزشی بوده است. همچنین، دانشگاه‌ها در توسعه این بخش نقش مهمی ایفاء نکرده‌اند و اغلب پژوهش‌های انجام‌شده به تدوین شاخص‌های استعدادیابی و الزامات آن در رشته‌های مختلف تیمی و انفرادی پرداخته‌اند که هیچ‌گاه به ارائه یک مدل اجرایی نظام‌مند و کاربردی منجر نشده است. بنابراین، با توجه به موارد طرح‌شده، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که سیستم آموزشی (مدرسه) و خانواده‌ها چه حمایت‌هایی را می‌توانند برای رشد و توسعه استعدادهای ورزشی دانش‌آموزان و جوانان و کمک به دانش‌آموزان مستعد و نخبه در مراحل مختلف استعدادیابی ارائه دهند.

مطالعین کلیدی انجام شد. در این روش حجم نمونه در حین انجام کار مشخص می‌گردد و نمونه‌گیری تا زمانی که داده‌ها به اشباع نظری برسند ادامه می‌یابد. اشباع نظری به این مفهوم است که محقق جمع‌آوری داده‌ها را تا زمانی ادامه می‌دهد که داده‌های جدید در واقع تکرار داده‌های قبلی باشد و دیگر مفهومی جدید که

نقش والدین بیشتر یک نقش مشارکتی است و در مرحله سوم ورزشکار خود را به بهبود اجرای کامل ملزم می‌کند درحالی‌که نقش والدین کاملاً محدود می‌شود و صرفاً حمایت مالی انجام می‌دهند.

(Kristiansen & Houlihan, 2017) بیان کردند که مدارس ورزش می‌توانند نقش مثبتی در توسعه سیستم استعدادیابی داشته باشند و دولت‌ها می‌توانند از این مدارس با حمایت خود نقش مثبتی را ایفا نمایند. (Tao, 2018) نیز سیستم حمایت خانواده و معلمان در مدارس و همکاری بخش‌های مرتبط با سیستم ورزش در محیط دانشگاه‌ها را به‌عنوان عاملی مهم در توسعه ورزش قهرمانی دانسته است.

به اعتقاد (Bremer, 2012) مسئله و مشکل اصلی در بحث استعدادیابی ورزشی در مرحله پرورش استعداد نمود بیشتری پیدا می‌کنند. کاظمی پور (۱۳۹۱) نیز عنوان نمود که در مورد تاریخچه استعدادیابی در کشور باید گفت که تاکنون نظام استعدادیابی یا مدل استعدادیابی مشخصی ارائه نشده است و هنجارهای کمی که دارای مشخصه‌های ملی یا منطقه‌ای باشند معرفی نشده است. از طرفی، خلأ پژوهش در زمینه نقش خانواده و مدرسه به‌عنوان دو نهاد

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران و مشاوران و خیرگان دست‌اندرکار حوزه استعدادیابی ورزشی کشور می‌باشند. پژوهش حاضر به روش کیفی بوده و نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و نظری و از میان

رویه تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، تحلیل موضوعی یا تماتیک است که از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه در مردم‌نگاری و یا در تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ای است. روش تحلیل تماتیک هم می‌تواند به‌عنوان روشی مستقل برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به کار رود و هم به‌عنوان ابزاری در درون دیگر رویکردهای کیفی به کار گرفته شود. در روش تحلیل تماتیک، از طریق استقرای تحلیلی، داده‌های مصاحبه‌ای در ارتباط با معانی غالب طبقه‌بندی‌شده و بر اساس آن‌ها الگوهای معنا بخشی شناسایی می‌شود.

در پژوهش حاضر، داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان آشنا به موضوع پژوهش ابتدا به‌صورت پاراگراف به

پاراگراف کدگذاری شدند، سپس در دو مرحله نسبت به تولید مفاهیم اولیه اقدام شد که در مرحله اول ۴۰ کد اولیه شناسایی و پس از پایش تعداد ۲۱ مفهوم انتزاعی‌تر از مصاحبه با خبرگان استخراج شد.

این مفاهیم در مرحله دوم، جهت انسجام بیشتر و تحلیل و تفسیر بهتر در قالب ۷ مقوله انتزاعی‌تر کدگذاری شدند. در مرحله سوم، ۷ مقوله تولیدشده در فرایندها کدگذاری ثانویه در قالب ۳ طبقه عمده یا تم، طبقه‌بندی شدند. خلاصه مفاهیم، مقولات و طبقات در جدول (۱) درج شده است. در فرآیند طبقه‌بندی و کدگذاری مفاهیم، ممکن است بین مفاهیم تشابه لغوی وجود داشته باشد یا اینکه بتوان مفهوم را در دو یا چند طبقه‌بندی قرارداد. به وجود آمدن چنین مسائلی در تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، امری

نیاز به کدگذاری جدید یا گسترش کدها و طبقات موجود داشته باشد به دست نیاید. در پژوهش حاضر، پژوهشگر در مصاحبه ۱۴ ام به اشباع نظر رسید؛ اما به‌منظور اطمینان از جمع‌آوری داده‌ها تا نفر ۱۶ مصاحبه ادامه یافت. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با خبرگان و متخصصین حوزه استعدادیابی استفاده شد. سؤالات پژوهش یک هفته قبل از شروع مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگان ارسال گردید. تا در روز مصاحبه با آمادگی کامل در مصاحبه حضورداشته باشند. مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله بعد از مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. از آنجایی که از تحلیل تماتیک برای تحلیل داده‌ها استفاده شد؛ بنابراین بر اساس کدگذاری سه مرحله‌ای شامل: کدگذاری باز، محوری و کدگذاری گزینشی یا انتخابی به‌منظور تحلیل داده‌ها استفاده گردید. در این کدگذاری سه مرحله‌ای داده‌ها به‌صورت مستمر مورد بازبینی و پایش قرار گرفتند. در مرحله اول داده‌هایی که حول یک مفهوم بودند گردآوری شدند در مرحله دوم مفاهیمی که معنای مشترک داشتند در قالب مقولات که در سطح انتزاعی‌تر نسبت به مفاهیم قرار دارند سازمان‌دهی شدند. در مرحله آخر (کدگذاری گزینشی) مقولاتی که بار معنایی و محتوایی مشترکی داشتند در ذیل طبقات ویژه‌ای قرار داده شدند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مطالعات کیفی NVIVO¹⁰ استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

یک مفهوم را می توان بر اساس نزدیک ترین ارتباطی که با هرکدام از تم‌های اصلی دارد طبقه‌بندی نمود (محمدی پور، ۱۳۸۹، دانایی فرد، ۱۳۸۶).

طبیعی است. از نظر روش‌شناسی تحلیل تماتیک، تشابه لغوی بین برخی مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده ایرادی ندارد.

جدول ۱. کدگذاری سه‌گانه مفاهیم، مقولات و طبقات اصلی بر اساس تحلیل تماتیک

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
طبقات	مقولات	مفاهیم
حمایت مالی و اقتصادی	حمایت مالی خانواده	تهیه ملزومات (لباس و وسایل) ضروری ورزشی تهیه تغذیه متناسب ورزشی فراهم کردن ایاب و ذهاب
	حمایت مالی مدرسه	تهیه لوازم و امکانات در اختیار گذاشتن اماکن ورزشی مناسب ارائه خدمات آموزشی باکیفیت
	حمایت عمومی و خیریه	تقبل هزینه‌های آموزشی تقبل هزینه‌های پزشکی و درمانی تجهیز اماکن و تهیه لوازم ورزشی
حمایت عاطفی و رفتاری	انگیزشی	ارائه مشوق‌ها و انگیزاننده‌ها برای دانش‌آموزان موفق ارائه مشوق‌ها و انگیزاننده‌ها برای مربیان و مدیران موفق معرفی و پوشش اجتماعی ورزشکاران و مجریان برجسته
	بهداشتی	ارائه دانش رفتاری و عاطفی برای مربیان و دانش‌آموزان ارائه خدمات درمانی و مشاوره عاطفی رفتاری برقراری رابطه دوستانه بین مربیان و دانش‌آموزان
حمایت اجتماعی	تعلق اجتماعی	زمینه‌سازی موقعیت اجتماعی مناسب برای افراد مستعد معرفی ورزشکاران و مربیان موفق در رسانه‌ها تقدیر و تشکر و ارائه جوایز متناسب با دستاوردها
	تأیید و همراهی	تأیید و همراهی اعضای خانواده تأیید و همراهی دوستان و اعضای گروه همسالان تأیید و همراهی پیشکسوتان و افراد اثرگذار ورزشی و اجتماعی

مسئله‌ای مهم هست. خانواده‌ها به‌منظور توسعه استعداد‌های ورزشی فرزندان‌شان نباید از حمایت آنان دریغ کنند. فرزندان در سنین پایین نیازمند حمایت خانواده‌ها از نظر مالی هستند. حمایت خانواده از فرزندان مستعد می‌تواند اشکال گوناگونی همچون خرید لباس و وسایل ضروری ورزشی، تقبل هزینه‌های ایاب و ذهاب، تغذیه

در این بخش مقوله‌های نهایی به‌دست‌آمده از کدگذاری گزینشی توضیح و تبیین می‌شود، پس‌از آن الگوی مدیریت خانواده - مدرسه در توسعه استعداد‌های ورزشی ارائه خواهد شد.

۱- حمایت مالی و اقتصادی

بحث حمایت مالی خانواده‌ها و سیستم آموزشی از فرزندان و دانش‌آموزان مستعد در حوزه ورزش

مناسب، پرداخت شهریه‌های ورزشی فرزندان باشد. فرزندان با حمایت‌های مالی و اقتصادی خانواده خود می‌توانند در عرصه‌های ورزشی موفق‌تر باشند. این حمایت‌ها تا زمانی که فرزندان به استقلال مالی دست یابند، باید ادامه داشت باشد. در کنار حمایت مالی خانواده، سیستم آموزشی نیز می‌تواند حمایت‌های لازم را در جهت رشد، توسعه و شکوفایی دانش‌آموزان مستعد ارائه دهند، مدارس با تجهیز کردن کانون‌های ورزشی و حق استفاده دانش‌آموزان از سالن‌های ورزشی آموزش و پرورش، استفاده از مربیان تحصیل کرده و آموزش دیده و تقبل هزینه‌های آموزشی آنان نیز می‌توانند نقش مؤثر خود را ایفا کنند. در کنار خانواده و مدارس مؤسسات عمومی و خیریه‌ای یکی دیگر از منابع رایج تأمین مالی به‌منظور حمایت از استعدادهای ورزشی هستند که از طریق ساخت اماکن ورزشی، خرید وسایل و تجهیزات ورزشی و تقبل بخشی از هزینه‌های آموزشی می‌توانند به توسعه استعدادهای ورزشی کمک کنند.

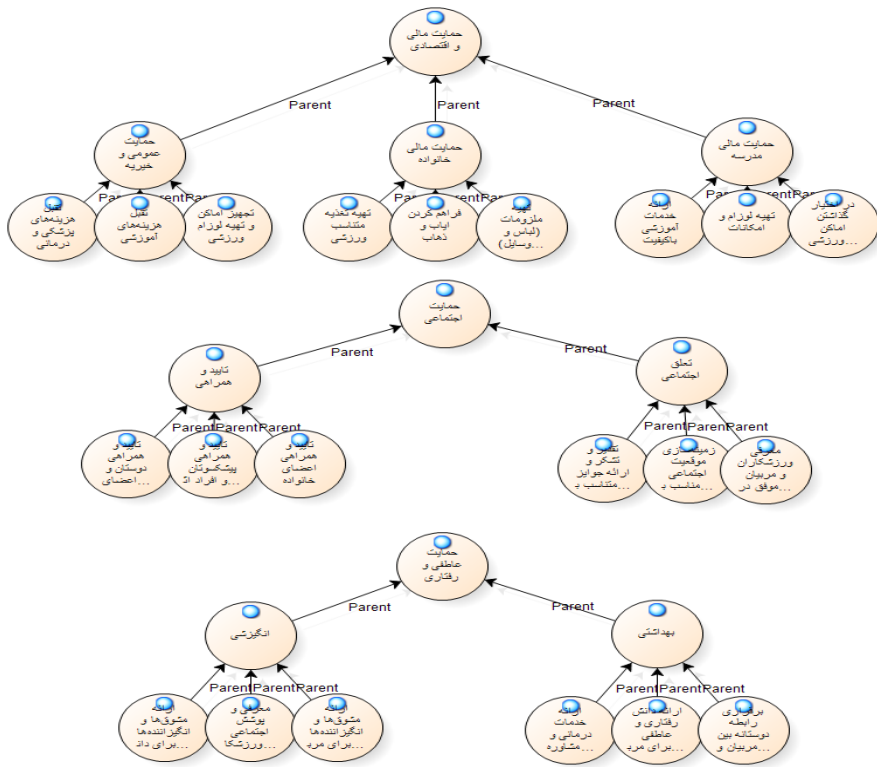
۲- حمایت عاطفی و رفتاری

حمایت‌های عاطفی و رفتاری، دومین طبقه از حمایت‌های خانواده و مدرسه در توسعه استعدادهای ورزشی است که در این پژوهش شناسایی شده‌اند. این حمایت‌ها در قالب دو مقوله عوامل انگیزشی و عوامل بهداشتی شناسایی شده‌اند. در این مطالعه عوامل انگیزشی آن دسته از مشوق‌ها و انگیزاننده‌هایی هستند که به دانش‌آموزان مستعد، مربیان و مدیران موفق ارائه می‌شود. این عوامل انگیزشی منجر به

افزایش تلاش در طی رقابت و آموزش می‌شود. عوامل بهداشتی می‌تواند شامل خدمات مشاوره‌ای و درمانی، دانش رفتاری و عاطفی برای مربیان و دانش‌آموزان و تعامل بین مربیان و دانش‌آموزان باشد. این تعامل باعث به وجود آمدن حس وحدت و نیز به وجود آمدن روابطی می‌شود که در آموزش مهارت‌های جدید مؤثر هست. ترکیب حمایت عاطفی و رفتاری در زمینه‌ی ورزشی ممکن است مکانیسم مثبتی برای توسعه استعدادهای ورزشی باشد.

۳- حمایت اجتماعی

دودسته حمایت اجتماعی تحت عناوین تأیید و همراهی و تعلق اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت، تعلق اجتماعی به مسائلی همچون معرفی دانش‌آموزان و مربیان موفق به رسانه‌های سمعی، بصری و نوشتاری، زمینه‌سازی برای موقعیت‌های اجتماعی مناسب در خصوص افراد مستعد و ارائه جوایز و قدرانی از افراد موفق، متناسب با دستاوردهایشان مربوط می‌شود. دسته دیگر به تأیید و همراهی مربوط می‌شود در این مورد دانش‌آموزان مستعد نیازمند تأیید شدن از طرف خانواده، گروه همسالان، دوستان، خواهر و برادران، مربیان و پیشکسوتان و افراد تأثیرگذار ورزشی هستند. این همراهی و تأیید امکان رشد مهارت‌های روانی-اجتماعی- رفتاری را فراهم می‌آورند. به‌منظور تحلیل کامل‌تر یافته‌های تحقیق، در مرحله الگوسازی از نرم‌افزار ان ویوو نسخه ۱۰ استفاده شد، خروجی نرم‌افزار در قالب شکل یک ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی شماتیک یافته‌های پژوهش بر اساس روابط درونی کدگذاری‌ها با استفاده از نرم‌افزار

Nvivo

بحث و بررسی

زیرا خانواده در این فرایند نقش محوری دارد. پیرمحمدی (۱۳۹۱) در گزارش پژوهش خود نقش والدین در استعدادیابی ورزشی را شامل نقش حمایت گر، نقش مشارکت جویانه و نقش حامی مالی عنوان نمود. (Tao, 2018) نیز نشان داد که سیستم حمایت خانواده به همراه معلمان در مدارس و همکاری بخش‌های مرتبط با سیستم ورزش با این نهادها را عاملی مهم در جهت توسعه ورزش قهرمانی دانست. از طرفی، زندگی خانوادگی تا اندازه زیادی تحت تأثیر مفاهیم برنامه و هزینه داشتن

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش خانواده و مدرسه در توسعه استعداد‌های ورزشی می‌باشد، نتایج پژوهش نشان داد، حمایت مالی خانواده، حمایت مالی مدرسه، حمایت عمومی و خیریه، عوامل انگیزشی، عوامل بهداشتی، تعلقات اجتماعی و تأیید و همراهی اطرافیان می‌توانند در رشد و توسعه استعداد‌های ورزشی نقش داشته باشند. عوامل شناسایی شده مذکور، ارتباط زیادی با رشد استعداد ورزشکاران جوان و نخبه دارند،

و گروه همسالان و مدارس و فراهم بودن امکانات ورزشی موردنظر بستگی دارد. همچنین، مهم‌ترین نکته برای والدین، اولیای مدارس و به‌خصوص معلمان و دبیران تربیت‌بدنی این است که به‌طور مثبت تمایل دانش‌آموزان را به ورزش زیاد کنند و بدانند که هر فعالیت بدنی برای فرد خاصی مناسب است و لذا باید با در نظر گرفتن مشخصات، سن، توانایی جسمانی، مراحل پیشرفت و میزان علاقه دانش‌آموزان، انجام مناسب‌ترین فعالیت بدنی را به آن‌ها توصیه کنند. تهیه ملزومات و وسایل ورزشی ضروری، تهیه تغذیه مناسب و فراهم کردن وسایل ایاب و ذهاب، پرداخت هزینه و شهریه ورزشی همگی بار مالی برای خانواده‌ها دارد، زیرا گاهی والدین زندگی اجتماعی خود را به فراهم کردن حمایت مالی لازم برای ورزشکار جوان خود محدود می‌کنند حتی این نیازمندی‌ها ممکن است با افزایش سن ورزشکار و دستیابی به سطوح بالاتر عملکرد ورزشی، افزایش یابند. در این رابطه، حسینی، حمیدی، قربانیان و سجادی (۱۳۹۲) نیز با بررسی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استعدادیابی ورزش کشور، وضعیت اقتصادی معیشتی خانواده‌های دارای استعداد و امکانات و تجهیزات مناسب برای استعدادیابی را از عوامل اثرگذار مناسب در توسعه سیستم استعدادیابی گزارش کرده بودند.

بخش دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که خانواده به‌عنوان اولین محیط اجتماعی که فرد در آن رشد می‌کند و شکل می‌گیرد و مدارس به‌عنوان نماینده نهادهای آموزشی، عوامل مهمی در رشد افراد هستند. ایجاد شرایط مناسب برای تعامل با دانش‌آموزان مستعد در ورزش روزه‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و تبدیل به یک

یک ورزشکار مستعد در خانواده، قرار می‌گیرد و حتی این مفاهیم خانواده را به‌طور کامل هدایت می‌کنند (Kirk et al, 1997). وجود فرزند نخبه بر نقش والدین تأثیر می‌گذارد، زیرا والدین در زمینه ورزش جوانان نخبه مهم هستند و این اهمیت از طریق حمایت صورت می‌گیرد، حمایتی که فرزندان را قادر می‌سازد مشارکت کنند و پیشرفت نمایند (Wuerth et al, 2004). در واقع این موضوع باعث می‌شود بعضی از والدین در پی تغییر برنامه‌های کار خود و حتی محل استخدام خود برآیند تا فعالیت‌های فرزندان نخبه خود را تسهیل کنند. در بحث حمایتی خانواده‌ها از فرزندان ورزشکار و نخبه بعضی از خانواده‌ها به تقسیم وظایف می‌پردازند به‌گونه‌ای که یکی از والدین به فعالیت و اشتغال در بیرون از خانه می‌پردازد درحالی‌که دیگری می‌تواند در خانه بماند و حمایت لازم به‌منظور فراهم کردن وسیله ایاب و ذهاب ورزشکار را در همه اوقات انجام دهد (Wolfenden & Holt, 2005). در بخش عوامل انگیزشی، نقش خانواده‌ها و محیط مدرسه می‌تواند عامل مهمی در شکوفایی و جهت‌دهی به استعدادها و ورزشی باشد. در این رابطه، (Kristiansen & Houlihan, 2017) بیان کردند که مدارس می‌توانند نقش مثبتی در توسعه سیستم استعدادیابی داشته باشند و دولت‌ها می‌توانند از مدارس با حمایت خود نقش مثبتی را ایفا نمایند. همچنین، مقیسه (۱۳۹۴) گزارش کرد که در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، شرکت جوانان در ورزشی خاص بیشتر بر پایه سنت‌ها، آرزوها، امکانات در دسترس و علائق فردی استوار است و نیز به تبلیغات و محبوبیت عمومی آن ورزش، تشویق و انگیزه دادن از جانب والدین

نیز دیدگاه‌ها در مورد آنان بستگی دارد. به علاوه، ضروری است که برنامه مدارس افراد مستعد ترتیب مناسب برای معلمان داشته باشد و پیشرفت آن‌ها را ترغیب کند به‌ویژه معلمانی که در کار با دانش‌آموزان مستعد در ورزش نتایج مطلوب کسب می‌کنند. شناخت مهارت‌ها و تشخیص کودکان مستعد، داشتن آگاهی از توانایی‌های آن‌ها و کار نظام‌مند به‌طور مؤثری بر دانش‌آموزان مستعد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به اشکال سازمانی مناسب و روش‌های آموزش، یا از طریق مطالعات منظم یا از طریق سمینار و سخنرانی، یا از طریق معلمانی که مداوم به خود آموزش می‌دهند، منتهی شود. ارتباط کاری مداوم با دانش‌آموزان مستعد در تماس مداوم با اولیای آن‌ها دیده می‌شود که بسیار مهم است زیرا می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در مورد دانش‌آموزان، ویژگی‌های آن‌ها، اولویت‌ها، علاقه‌مندی‌های آن‌ها و غیره به دست آورد. این دانش‌آموزان انتظار دارند که محیطی حمایتی، جوانان مستعد و ضرورت وجود منابع کافی مالی از بخش‌های مهم یک سیستم موفق استعدادیابی ورزشی است. در این رابطه، اسدی و همکاران (۱۳۹۵) موانع مالی، حمایتی و پشتیبانی را از جمله موانع استعدادیابی ورزشی در کشور شناسایی کرده بود. در این بین، حمایت مالی و انگیزشی خانواده‌ها هم نقش ویژه‌ای دارد اما متأسفانه اغلب خانواده‌ها دارای این توانمندی لازم نمی‌باشند و مدارس هم به دلیل مشکلات مالی و اقتصادی حاکم بر کشور توانمندی لازم را ندارند و در این بین نقش حمایتی منابع دولتی

خواست اجتماعی می‌شود. کاشف (۱۳۹۱) در پژوهش خود عامل محیطی را از جمله فاکتورهای مهم استعدادیابی ورزشی در کنار ویژگی‌های ژنتیکی گزارش نمود. در این رابطه، (Kristiansen & Houlihan, 2017) و (Tao, 2018) نشان دادند که حمایت خانواده و مدارس می‌تواند نقش مهمی در استعدادیابی و توسعه ورزش قهرمانی داشته باشد؛ بنابراین، مدارس و خانواده‌ها در این زمینه، از عوامل اصلی حمایت از رشد استعدادیابی ورزشی به حساب می‌آیند. سن مدرسه‌ای پایین‌تر، بهترین دوره برای شناسایی، تشخیص، رهبری و رشد توانمندی دانش‌آموزان مستعد است؛ بنابراین، در مدرسه انتظار داریم که رابطه دانش‌آموزان مستعد نه تنها تصمیم‌های فردی را کاهش دهد بلکه یک سیستم برای سنجش و تنظیم جایگاه افراد مستعد نیز به وجود آورد. کاری که وظیفه افراد مستعد است تا حدود زیادی به تعهد معلمان و معلمان تربیت‌بدنی و محرک و غنی برای آن‌ها فراهم شود تا در بهترین حالت توانمندی خود را توسعه دهند. برقراری ارتباط بین خانواده‌ها و مدرسه نویدبخش تکامل و پایداری تأثیرات آموزشی تربیتی بر فرد است؛ و اینکه همکاری شرکا و اولیا با نهادهای آموزشی، نهادهای ورزشی و مؤسسات مرتبط باعث رشد، آموزش و توسعه مطلوب افراد مستعد و شخصیت مستعد دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی متنوع خواهد شد. از طرف دیگر، می‌توان اذعان داشت که اهمیت نقش منابع مالی در توسعه استعدادها، ضرورت حمایت مالی مناسب از

بر مبنای نتایج برآمده از این پژوهش، پیشنهادهایی به سیاست‌گذاران حوزه استعدادیابی ورزشی ارائه شده است که عبارت‌اند از:

۱. خانواده‌ها و سیستم آموزشی حمایت‌های مالی و اقتصادی لازم جهت شناسایی و آموزش به‌موقع دانش‌آموزان مستعد و نخبه ورزشی فراهم آورند.

۲. خانواده‌ها و مدارس شرایط مطلوبی را به‌منظور رشد عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان مستعد و مربیان توانمند فراهم آورند.

۳. به‌منظور تسریع در آموزش و پرورش دانش‌آموزان مستعد در زمینه‌های ورزشی و اجتماعی شدن دانش‌آموزان، همکاری دوسویه بین مدرسه و خانواده‌ها برقرار گردد.

۴. مدارس به‌منظور حمایت بیشتر و بهتر از دانش‌آموزان نخبه ورزشی، آموزش‌های منظم ورزشی را در کلاس‌های فوق‌برنامه در دستور کار خود قرار دهند، این امر مستلزم این است که سیستم آموزشی رویکرد فردی به هرکدام از دانش‌آموزان مستعد در زمینه ی ورزشی داشته باشد.

منابع

- Ahmadpour, A. (2010). *Understanding the Philosophical and Practical Foundations of the Combined Research Method in the Social and Behavioral Sciences*. Tehran: Sociology Publications. [Persian]
- Asadi, N., Goudarzi, M., Sajadi, S. N., & Alidoust Ghahfarrokhi, E. (2017). *An Investigation of the Obstacles to Talent Identification in*

کلیدی است و فقدان آن باعث عدم موفقیت استعدادیابی به‌ویژه در موقعیت کنونی می‌باشد. در جمع‌بندی پایانی باید عنوان نمود که معیارهای استعدادیابی مانند ویژگی‌های پیکر سنجی، فیزیولوژیک، روان، شناختی و ویژگی‌های روانی- حرکتی (مهارتی) به‌عنوان بخش فنی استعدادیابی در ورزش برای کودکان از اهمیت برخوردار است، اما نقش حمایتی خانواده و مدرسه در مرحله شناسایی و استمرار مقوله استعدادیابی ورزشی موضوعی بود که کمتر در پژوهش‌ها به آن پرداخته شده بود که در پژوهش حاضر این حوزه مورد بررسی قرار گرفت. بر مبنای یافته‌های این پژوهش باید عنوان کرد که متأسفانه در کشور ما به دلیل فقدان یک سیستم منسجم، فعالیت‌ها مبتنی بر سیاست‌های مقطعی و پراکنده و موازی کاری هستند و جهت‌دهی و مسیر منسجمی را ندارد و در این بین استعدادهای ورزشی حتی با حمایت خانواده و مدرسه هم در مقاطع بعدی و مسیرهای بعدی دچار سردرگمی و اختلال می‌شوند و این مورد گاها باعث سرخوردگی استعدادهای ورزشی و خانواده‌ها نیز می‌شود؛ بنابراین، حمایت خیرین در مقوله حمایت از استعدادیابی ورزشی و سرپرستی دانش‌آموزان مستعد تا رسیدن به مراحل بعدی، آگاهی بخشی به خانواده‌ها، اختصاص اعتبارات ویژه به مدارس در قالب طرح‌های حمایت از استعدادهای ورزشی، حضور معلمان و خانواده‌ها در رقابت‌های ورزشی و تشویق استعدادهای ورزشی و هدایت آن‌ها به مراحل منطقه‌ای و کشوری می‌تواند در موفقیت آن‌ها نقش ویژه‌ای داشته باشد.

- Pir Mohammadi, M. (2012). The Role of Parents in Sport Talen ting. Paper presented at the Second National Conference on Sport Talenting, Tehran. Basij Sport Organization. [Persian]
- Brackenridge, c. (2006). The Parents' Optimum Zone: Measuring and optimising parental engagement in youth sport. Paper presented at the Common wealth International Sports Conference, Melbourne Australia.
- Bremer, K., l. (2012). Parental Involvement Pressure and Support in Youth Sport: A Narrative Literature Review. *Journal of Family Theory & Review*, 4(3), 235-248.
- Dimovski, T., & Paunova, D. (2012). The impact of the chose live chose sport social campaign of the Agency of youth and sports on the healthy lifestyle promotion. *Activities in Physical Education and Sport*, 2(2), 228-230.
- Horn, T., & Horn, J. L. (2007). Family influences on children's sport and physical activity participation behavior and psychosocial responses. *Handbook of Sport Psychology* Hoboken, 685-711.
- Jowett, s., & Timson, K. M. (2005). Social Networks in Sport: Parental Influence on the Coach-Athlete Relationship. *The Sport Psychologist*, 19, 267-287.
- Kirk, D., Connor, A., Carlson, T., Burke, P., Davis, K., & Glover, S. (1997). Time commitments in junior sport: Social consequences for participants and their families. *European Journal of Physical Education*, 2(1), 51-73.
- Knight, C. J., & Holt, N. L. (2013). Factors that influence parent's experiences at junior tennis tournaments and suggestions for improvement. *Sport Exercise and Performance Psychology*, 2(3), 173-189.
- Sports in Iran. new trends in sport management, 5(18), 23-32. [Persian]
- basereh, m., dousti, m., & farzan, f. (2016). Codification Volleyball Talent Identification Model in Iran. *Sport Management Studies*, 8(37), 57-88. [Persian]
- Danaeifard, H., Alvani, S. M., & Adel, A. (2007). *Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*. Tehran: Safar Publishing. [Persian]
- Farhad, N., Bahram, Y., & Hossein, E. (2015). Comparing and Prioritizing the Quality Assessment in Factors of Sport Talent Development Systems from Stakeholder's Standpoint. *Biannual Journal of Sport Development and Management*, 1(8), 19-35. [Persian]
- Hosseini, S., Hamidi, M., ghorbanian Rajabi, A., & Sajjadi, N. (2013). Identifying the Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats of Talen ting in the Islamic Republic of Iran Championship and its Challenges and Challenges. *Journal of Sport Management*, 5(2), 29-54. [Persian]
- Kashef, M. (2012). The Process of Sporting Talent from Cognition to Championship "Physiological Tests in Sport Talent Screening. Paper presented at the Second National Conference on Sport Talenting, Tehran. Basij Sport Organization. [Persian]
- Kazempour, H. (2012). Talent Management in Sport. *Journal of Strategic Studies in Sport*, 11(17), 107-118. [Persian]
- Moghisah, A. (2015). Talent at the In-School Sport Olympiad. *Teacher Development Magazine*, 4(292), 22-25. [Persian]
- Nouri, M. H., & Sadeghi, H. (2018). A Review of Sport Talent Studies. *Journal of Sport Management*, 10(2), 387-400. [Persian]

athlete's career in youth sport. *Psychology of Sport & Exercise*, 5(1), 21-33.

- Kristiansen, E., & Houlihan, B. (2017). Developing young athletes: the role of private sport schools in the Norwegian sport system. *International Review of the Sociology of Sport*, 52(4), 447-469.
- Pankhurst, A., Collins, D., & MacNamara, A. (2013). Talent development: Linking the stakeholders to the process. *Journal of Sports Sciences*, 31(4), 370-380.
- Robin, D. T., Dave, C., & Howie, J. C. (2017). Sibling interaction as a facilitator for talent development in sport. *International Journal of Sports Science & Coaching*, 12(2), 219-230.
- Sladjana, v., & Jelena, k. d. (2013). Effect between family and schools in detecting gifted children in sport. *Activities in Physical Education and Sport*, 3(2), 224-228.
- Tao, H. (2018). Research on the Sports Talents Training Model in Colleges and Universities. Paper presented at the 2nd International Conference on Economics and Management, Education, Humanities and Social Sciences.
- Tranckle, p., & cushion, C. J. (2006). Rethinking Giftedness and Talent in Sport. *National Association for Kinesiology and Physical Education in Higher Education*, 58(2), 265-282.
- Wiseman, A. C., Bracken, N., Horton, S., & Weir, P. L. (2014). The Difficulty of Talent Identification: Inconsistency Amongst Coaches Through Skill-Based Assessment. *International Journal of Sports Science and Coaching*, 9(3), 447-455.
- Wolfenden, L. E., & Holt, N. (2005). Talent Development in Elite Junior Tennis: Perceptions of Players, Parents, and Coaches. *Journal of Applied Sport Psychology*, 17(2), 108-126.
- Wuerth, S., Lee, M. J., & Alfermann, D. (2004). Parental involvement and



The Role of Management, Family And School in The Development of Sportstalents

Vli Naseri Plangerd ¹, Shahab Bahrami ^{*2}, Shirin Zardoshtian ³, Bahram Yoosefy ⁴

Received: Jun 03, 2020

Accepted: Agu 04, 2020

Abstract

Objective: The aim of this study was to investigate the role of family and school in the development and development of students' sporting talent.

Methodology: The present study was qualitative and was carried out using a thematic approach. sample consisted of 16 sports experts and officials involved in the talent debate, which began by targeted sampling and continued to reach the theoretical saturation of data. Semi-structured interviews were used to collect data. After data collection, the method of analysis was used to analyze the data.

Results: Based on interviews conducted using expert opinion, family and school financial support, public and charity support, motivational, health, social affiliation, and affiliation were identified as factors influencing the development of students' sporting talents.

Conclusion: Based on the results, the support role of families is key in terms of financial and motivational and social support, as well as the necessary support from schools can helped development of sports talents.

Key words: Tematial Analysis, Qualitative Study, Sports Talents, Family, School.

1. Ph.D. student in Sport Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad university, Kermanshah, Iran. 2. Assistant Proffesor in Sport Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad university, Kermanshah, Iran. 3. Assistant Proffesor in Sport Management at Razi University of Kermanshah. 4. Associated Proffesor in Sport Management at Razi University of Kermanshah

*Corresponding author's e-mail address: bahranishahab@yahoo.com